

معامله با خدا

تحلیل چالشهای توسعه در مناطق جدید در گفتگو با محمود بارانی

محمود بارانی یکی از دهها باغدار پیشرو پسته ایران است که با پیش بینی آینده رو به زوال پسته رفسنجان، از سی سال پیش با جستجو در مناطق مختلف کشور، سرانجام تصمیم به احداث باغ پسته در زرنديه ساوه گرفت. او با پذیرش ریسک سرمایه گذاری در یک منطقه ناشناخته با تکیه به احساس و تجربه خود، پیش قراول آبادانی دشت بی رونقی شد که به دشت آدمخوار معروف بود. اگر چه امروز سطح باغات پسته این منطقه به ۵ هزار هکتار رسیده و نام آن به هامون سبز تغییر یافته اما ظاهراً ایده های بارانی برای رونق بیشتر دشت تمامی ندارد.

مصاحبه با محمود بارانی بویژه برای کسانی که قصد احداث باغ پسته در مناطق جدید را دارند خالی از لطف نیست و می تواند ضمن نشان دادن برخی ابعاد و الزامات پنهان توسعه در مناطق جدید، الگویی برای آنها باشد که سر پر دردی برای مواجهه با چالش های نو دارند.



حمید فیضی

بارانی

چاه هایی را داده است. در واقع مطالعه نکرده که اینجا چقدر ذخیره آب دارد و بر اساس همان ذخیره، پروانه صادر کند. آمدند در ۲۰۰ هکتار زمین ۵ حلقه چاه زدند که درست نیست. باید یک حلقه چاه می زدند و بقیه اش را جای دیگر می زدند و آبش را می آوردند به این منطقه. فاصله چاه ها رعایت نشده بود. آنهايي که رعایت نشده بود الان مشکل دارند. اما آنهايي که رعایت شده مشکلی ندارند. وضعیت سفره باید مطالعه شود یعنی ببینند که کجاها تغذیه می شود و کجاها تغذیه نمی شود. لایه های خاک را بشناسند. چاه های اکتشافی بزنند. چاههای پیرومتری بزنند. اندازه گیری بکنند. مطالعه بکنند. خشکسالی هم هست. میزان بارندگی تغییر کرده است.

Sina شما یک بحث خشکسالی را مطرح می کنید و یک بحث مدیریت منابع آب را. من بیشتر ترجیح می دهم که به مدیریت منابع آب بپردازیم چون خشکسالی نمی تواند در این مقیاس به منابع آب آسیب بزند. آیا تعداد چاهها تغییر کرده است؟

چاه ها تغییری نکرده است. بعد از اینکه شروع کردیم به پسته کاری و دیدیم که نتیجه آن خوب شد و استعداد منطقه خیلی بالاست، دیگر نگذاشتیم چاه جدیدی حفر شود. یعنی درخواست دادیم و الان مجاز نیست و همان چاههایی که از قبل بوده استفاده می شود. ما در این منطقه بارندگی هایی داریم که مثلاً در ظرف ۲۴ ساعت تا ۳۵ تا ۴۰ میلیمتر بارندگی می شود که همه اینها

چاهها باعث شد که رفسنجان نابود بشود. قبل از انقلاب می گفتند حدود ۹۰۰ حلقه چاه در شهرستان رفسنجان است که اگر اینها به همین صورت باشند تا ۵۰-۴۰ سال آینده ممکن است افت آب شدید نباشد. ما خودمان در اطراف رفسنجان چاه داشتیم. وقتی که انقلاب شد یک دفعه مردم ریختند اطراف و تعداد زیادی چاه غیر مجاز زدند که بعدش هم شدند مجاز.

Sina منطقه ای هم که شما انتخاب کردید آب شور دارد و بنظر نمی رسد که حتی در آن زمان خیلی اوضاع مناسبی داشته است؟

پسته در برابر شوری خیلی مقاوم است. نه اینکه حتماً آب شور بخواهد. اما شوری را تحمل می کند. از پارامترهایی که می شود پسته کاری کرد یکی آب است بقیه اش هوا است، زمین است.

پسته ریشه های عمیقی دارد و اینجا هم عمق خاکش خوب بود. سطح خاکش برای زراعت مساعد نبود اما شوری در حدی بود که برای پسته خیلی خوب بود و مساعد بود ولی برای گندم و جو نه. در اینجا هرچی پایین تر می رفتیم آب شیرین تر می شد.

Sina وقتی شما شروع کردید عمق چاه در این منطقه چقدر بود؟

۱۰۰ متر و الان هم همان ۱۰۰ متر است.

Sina ولی من مصاحبه هایی از شما خوانده ام که وضعیت آب آنجا را بحرانی اعلام کرده اید؟

دقیقاً، وزارت نیرو در این منطقه بدون مطالعه پروانه

Sina آقای بارانی آیا تحصیلات شما به کشاورزی ارتباط دارد؟

بله من دوران دبیرستان را در هنرستان کشاورزی خواندم.

Sina چه شد که از رفسنجان به تهران آمدید و بعد به استان مرکزی رفتید؟ می توانستید در رفسنجان پسته کاری کنید.

رفسنجان دیگر جایی برای توسعه نداشت. خوب ما ایران را چرخیدیم تا منطقه ای برای پسته کاری پیدا کنیم. حدود ۳۰ سال پیش بود. به منطقه ای در زرنديه ساوه رسیدم که به آن دشت آدمخوار می گفتند. دولت در آن منطقه چاه زده بود و برای کشت و زرع واگذار کرده بود اما بدلیل شوری آب، مالکان زراعتی نکرده بودند و آنها را رها کرده بودند. نزدیکترین محل مسکونی به این منطقه روستایی به نام پیک بود و از آنجا یک جاده به دشت آدمخوار می رفت.

Sina هنوز هم اسم این دشت آدمخواره؟ الان اسمش دشت هامون سبز است.

Sina ۳۰ سال پیش که شما می فرمایید امکان توسعه در رفسنجان وجود نداشت، اوج پسته کاری در رفسنجان بود. مردم به دشت ها هجوم برده بودند و چاه می زدند.

کاملاً درست می گویند. اما همان موقع هم آدم های عاقل می دانستند که دارند نابود می شوند. همین

الان باغ های ما در استان کرمان دارند از چرخه تولید خارج می شوند و فکری برای این موضوع نشده است.

Sina شما دارید در مورد امکانی صحبت می کنید که الان وجود ندارد و معلوم نیست تحقق پیدا کند.

یکی از راه هایی که می خواهیم در آینده داشته باشیم و داریم همین پسابه که خیلی عملیه و شدنیه. ۵ سال پیش درخواست دادیم و وزیر نیرو نوشت به مهندسین مشاور برای مطالعه و مهندسین مشاور هم بررسی کردند و گفتند عملی و اجرایی است.

این یکی از درخواست های ما بود که پساب تهران را انتقال بدهیم. ما هنوز از منطقه اطلاعات کامل نداریم. درخواست دادیم که یک چاه اکتشافی بزنیم. که اول ببینیم عمق آب چه جوری است. همه اینها دارد مطالعه می شود. یک قسمت مطالعات را دولت انجام می دهد و یک قسمت مطالعات را دادیم به شرکت های خصوصی که به ما بگوید برای تأمین آب این منطقه باید چه کارهایی بکنیم که در آینده مثل رفسنجان نشود.

Sina الان چند باغدار پسته در این منطقه فعال هستند؟ پول این مطالعات از کجا تأمین شده است؟

حدود ۱۰۰ نفر که یک تعاونی دارند بنام تعاونی تولیدکنندگان پسته هامون سبز. هر کس باغ خودش را دارد و عضو این تعاونی هم هست. این تعاونی یک مبلغی را جمع کرده برای مطالعات آب. حدود ۲۰۰ میلیون تومان پول در سه سال هزینه کردیم.

یکی از کارهای تعاونی کنترل برداشت آب است که هرکس در حد پروانه برداشت کند. الان هیچکدام از باغداران بیشتر از پروانه برداشت نمی کنند. اگر چاه هایی غیر از کشاورزی باشد و بخواهند در کشاورزی استفاده کنند، همه به وزارت نیرو اعتراض می کنند و وزارت نیرو هم جلوگیری می کند.

Sina خود وزارت نیرو مجوز نمی دهد؟ مجوز می دهد اما برای دامداری و به دامداران اجازه نمی دهد که کشاورزی کنند.

Sina برای کشاورزی مجوز نمی دهد؟ نه به هیچ وجه. در این سالهایی که ما آنجا هستیم این اتفاق نیفتاده است. فکر کنم تنها جایی در ایران هستیم که چاه غیر مجاز و چاه قاچاق نداریم.

Sina توسعه پسته در یک منطقه جدید چه موانع و مشکلاتی دارد؟

مشکلات یکی دو تا نیست، خیلی زیاد است. من توصیه می کنم به افرادی که می خواهند پسته کاری بکنند

Sina یعنی شما با ۱۲۰ لیتر بر ثانیه آب ۳۰۰ هکتار پسته کاشتید؟

بله.

Sina شما یا خانوادتان در رفسنجان هم باغ داشتید؟

بله، اصولاً هر کسی در رفسنجان هست کشاورزه و پسته کاره. کمتر می بینید که کسی در رشته دیگری فعالیت کند.

Sina الان هم در رفسنجان باغ دارید؟

نه دیگه. همه را فروختیم و آمدیم تهران.

Sina در مجاورت و اطراف شما یکسری باغات پسته دیگر هم احداث شده است.

بله، آنها به تشویق من آمدند من همه دوستانی را که داشتیم تشویق کردم. الان آنجا ۵۰۰۰ هکتار باغ پسته هست که متعلق به دوستان ماست. پسته یک محصول پرهزینه و دیر بازده است. شما اگر پسته کار نباشید هرگز تو کار پسته نمی آید سرمایه گذاری کنید چون شما حداقل باید ۲۰ سال منتظر سرمایه ات باشی. ۱۰ سال که هیچ درآمدی ندارد و فقط هزینه است و ۱۰ سال دوم می خواهید بار اقتصادی بردارید.

Sina یعنی اگر شما تشویق نمی کردید نمی آمدند؟

نه. فکر نمی کنم.

Sina بنابراین تشویق شما منجر به فشار به منابع آبی شد؟

نه. ما در نظر داریم تا ۲۰ هزار هکتار در آنجا پسته کاری کنیم. آبش را هم تأمین می کنیم. ببینید ما یک هیولایی داریم بنام تهران که ۱۵ میلیون جمعیت دارد و تقریباً نصف آبهای ایران را هم می برد. آب بزرگترین سدهای ایران مثل سد طالقان، کرج، لار و لتیان و ... می آید به تهران. آب همه این سدها در نهایت می رود تو فاضلاب که دیگر مصرف بهینه ای ندارد. این پساب به جنوب تهران می رود و از طرف بی بی شهربانو می رود به طرف ورامین که آنجا هم مشکل زا می شود که دولت باید هزینه کند و زمین های آنجا را زهکشی کند. اگر بخشی از این آب را به منطقه زندیه بدهند ما می توانیم در آنجا پسته را توسعه دهیم. اگر بخواهیم تولید پسته را به رکورد سالهای قبل برگردانیم حداقل برنامه ۱۰ ساله می خواهیم. پسته یک محصول دیر بازده است خیلی زمان، سرمایه و تخصص می خواهد. شما یک ساختمان ۵۰ طبقه را ظرف ۲ سال میتوانی بسازی اما یک باغ پسته باید ۲۰ سال زمان بگذرد تا به اوج باردهی برسد.

سیلاب می شود و می رود تو کویر یا تو رودخانه شور می ریزد. ما می توانستیم از اینها استفاده های خیلی بهینه بکنیم. بندهای خاکی بزنیم و آب را نگه داریم. کارهایی که در همه جای دنیا می کنند. این کارها را انجام ندادیم.

Sina وقتی تعداد چاهای منطقه تغییری نکرده پس میزان برداشت هم تغییر نکرده است؟ تغییر کرده است.

Sina چطوری؟

آن موقع چاه ها حفر شده بود اما استفاده نمی شد. مثلاً اگر برای زراعت هم استفاده می شد یک فصل بود اما الان در تمام طول سال مخصوصاً در فصل نیاز از اول فروردین تا آخر مهر مرتب چاه ها کار می کنند و باغ ها را آبیاری می کنند. پس برداشت خیلی بیشتر شده. در آن موقع برداشت خیلی کمتر بود. چاه ها زده شده بود ولی استفاده نمی شد و اگر هم استفاده می شد یک فصل کوتاه استفاده می شد.

Sina زمانی که شما کارتان را در این منطقه شروع کردید آیا باغ پسته ای هم بود؟

اصلاً نبود. نه تنها باغ پسته نبود بلکه هیچ درخت دیگری هم نبود. مردم منطقه خیلی خرافاتی بودند می گفتند که اگر درختی بکاریم ممکن است بمیریم. یک اتفاقی هم در منطقه افتاده بود، یک شرکتی آمده بود و می خواست کار بکند که شب یکی از مهندسانشان را مار زده بود و تا رسانده بودند بیمارستان فوت کرده بود. این اتفاق خرافات را تشدید کرده بود. من فکر می کنم که این خرافات که هر کی درخت بکارد می میرد برمی گشت به دامداران منطقه. اونها تشدید می کردند چون اگر آنجا باغ می شد مراتع آنها تأمین نمی شد. آنجا گذرگاهی بود که از طرف سمنان می آمدند و می رفتند به طرف چالوس و طالقان و می خواستند که بیابان بماند که فقط از مراتع استفاده کنند و بین مردم این خرافات را تشدید می کردند.

Sina شما از منابع طبیعی هم زمین گرفتید؟

نه ما زمین و آب را از مالک خریدیم و شروع کردیم. اولین کاری که کردم ۱۰۰ هکتار زمین خریدم با یک حلقه چاه که ۴۰ لیتر آب بر ثانیه پروانه مجاز داشت و شروع کردم به کاشت پسته که تا ۷-۸ سال که نتیجه داد تنها بومد و توسعه ندادم. تقریباً تا ۷ سال هیچ کس به غیر از من نبود و خودم هم توسعه ندادم. از سال پنجم به بعد که دیدم رشد و توسعه اش خوب است دو حلقه چاه دیگر هم خریدم و توسعه دادم. چاهها متفاوتند. چاه ۴۰ لیتر داریم. ۵۰ لیتر داریم و ۳۰ لیتر هم داریم.

نرود متفرقه ۲۰ هکتار، ۵۰ هکتار، ۱۰۰ هکتار در کنار محصولات دیگر پسته کاری کنند چون پسته هرگز با محصولات دیگر نمی خورد. مثلاً در قم من رفتم دیدم گندم کاری هست، یونجه کاری هست و کنارش پسته هم کاشته اند. اینها هیچ وقت در هیچکدام موفق نیستند نه در یونجه کاری، نه گندم و نه پسته کاری. پسته کاری زرنديه ۵۰۰۰ هکتار تجميع پسته است، غير از پسته هیچ چیز دیگری هم نیست. اطراف ما، هیچ محصول زراعی دیگری نیست. اصلاً آبادی نیست. همش بیابونه. هرچی تو منطقه ما هست پسته کاری است.

سایه پس به نظر شما در یک منطقه جدید باید باغات پسته بصورت مجتمع ایجاد شوند؟

مجتمع در سطح بزرگ، تخصصی، مکانیزه و ماشینی. آن زمانی که ما می خواستیم پسته کاری کنیم یکی از مشکلات آن بود که بعد از ۳ سال باید هرس می کردیم و پیوند می زدیم. باید پیوندک پسته را از درختی که محصول می دهد جدا کرده و به درخت جدید پیوند می زدیم. من باید پیوند را از رفسنجان و کرمان به اینجا منتقل می کردم که اصلاً امکانش نبود. زمان جنگ بود و پروازها کم بود.

ماشین ۲۴ ساعت توی راه بود. نگهداری این جوانه ها تا به اینجا برسد و طراوت خودش را حفظ کند و اینجا سبز شود خیلی سخت بود.

ما کلمن های یخ می گرفتیم. به وایت می گرفتیم که عقبش کارگر می نشست و شاخه های حامل جوانه را در مسیر هرس می کرد و جوانه را در یخ نگه می داشت، با این وجود ۷۰ درصد جوانه ها خشک می شدند. اما امروز زمان مناسب است، تکنولوژی بالاست. ما الان در اینجا هم نهال تولید می کنیم، هم پیوندک داریم و هم می دانیم چه واریته هایی بکاریم و چه واریته هایی پیوند بزیم و چه محصولی بهتر می شود.

الان فاصله ها کم شده است. مثلاً اگر شما بخواهید در قزوین پسته کاری کنید از قزوین تا زرنديه یک نصف روز بیشتر راه نیست. اما آن زمان فقط از رفسنجان و کرمان باید انتقال میدادی.

بهتر است هر کسی خواست در یک منطقه جدید پسته کاری بکند سعی کند همه نیازهایش را از همان جا تأمین کند. از جای دیگر نیاورد که مثلاً باعث انتقال آفت ها بشود. من در همان سالی که خواستم باغ ایجاد کنم اول یک گلخانه احداث کردم و نهال تولید کردم.

سایه از نظر سازگاری ارقام در منطقه چکار کردید؟

خوب ما بر اساس تجربه ای که داشتیم از پایه هایی استفاده کردیم که می دانستیم. برای پیوندک حتماً باید امتحان می کردیم. اول از پیوندکی که در کل کشور بهترین و عمومیت داره یعنی فندق زردیم. ۳۰۰ هکتار

فندق زردیم. هنوز همه را نگه داشته ام و راضی هستم. ۲۰ سال پیش که ما باغ می زدیم اکبری و احمدآقایی به معروفی امروز نبود. آن موقع رقابت بین فندق، کله قوچی و بادامی بود، ما بین آنها فندق را انتخاب کردیم. بعداً ۱۰ هکتار کله قوچی زدیم و بعدش روی احمدآقایی و اکبری کار کردیم. کله قوچی را توسعه ندادم.

در پسته طی یک فصل یا یکسال، دوسال نمی توانید نظر بدهید که اکبری از فندق بهتره یا نه. من بر اساس یک نسبت ده ساله میگویم از فندق راضی هستم. اگر محصول دهسال را روی هم بریزیم و مقایسه کنیم فندق نسبت به احمدآقایی و اکبری قابل قبوله نه اینکه ممتازه بلکه قابل قبوله. یعنی شما از فندق هر سال ۲ تن پسته را می توانید برداشت کنید، آفت ندارد و ... اما اکبری شاید بتوانی در یک سال ۱۰ تن برداشت کنی اما ممکن است تا سه سال محصول نداشته باشی. اکبری یا احمدآقایی خیلی پسته پر ریسکی هستند، تا جواند خیلی خوبند اما خیلی زود آثار پیری در آنها ظاهر می شود.

سایه شما چه توصیه ای به کسانی دارید که بخواهند در یک منطقه جدید پسته بکارند؟

توصیه می کنم اگر کسی بخواهد مثلاً ۱۰ هکتار پسته کاری بکند آن را تقسیم بر سه بکند و یک سوم فندق، یک سوم احمدآقایی و یک سوم اکبری بکارد. من پیشنهاد می کنم پسته های کشیده را بعنوان پایه استفاده کنند، مثل بادامی زرنديه. پسته های گرد پایه های خوبی نیستند، پسته های گرد رشد خوبی دارند ولی احتیاج به قیم دارند. برای پیوند باید خیلی مطالعه بکنند. ببینید پسته کاری رفسنجان، ورامین، قم یا قزوین هیچکدام ارتباطی بهم ندارند. چون شما پسته کار خوبی در رفسنجان بودی حتماً نمی توانی پسته کار خوبی در ورامین باشی. اولاً پسته کار باید تجربه داشته باشد. مثلاً نحوه آبیاری در جایی که آب شیرینه با جایی که آب شوره فرق می کند، نسبت آبیاری هم متفاوت است. نمی شود یک نسخه برای همه بپیچید. هر واریته ای که می زنی نیاز گرمایی و سرمایی متفاوتی دارد. اینها را باید تجربه نشان دهد. شما باید یکی دو سال محصول برداشت کنید تا بتوانید قاطع نظر دهید.

عملاً آنجمن پسته باید مناطق ایران را شناسایی بکند. در ایران خیلی مناطق بکر هست. آنجمن به عنوان یک متولی بیاید در جاهایی که قابل کشت و توسعه است پیگیری تأمین آب بکند مثل کاری که آمریکایی ها کرده اند. در انتخاب پایه، انتخاب پیوندک، تولید نهال و تولید پسته کمک بکند. الان سرمایه در ایران خیلی زیاد است، یعنی نقدینگی فوق العاده بالاست و آنجمن باید آن را هدایت بکند.

توصیه می کنم که برای پسته کاری در جایی

سرمایه گذاری کنند که دور از آبادی باشد. هرچه یرت تر و دور تر باشد بهتر است. اگر در روستاها باشد بالاخره روستاها آلودگی خاص خودشان را دارند، اگر گندم کاری دارد حتماً آذیت میکند، اگر درختکاری داشته باشد آفت هایش آذیت می کند. اینکه متفرقه بروید و جایی در روستا ۵۰ هکتار بخرید، در آینده مشکلات خاص خودش را دارد و من تشویق نمی کنم. منطقه ما هم بیابان بود و ما آبادی بردیم. ما از صفر شروع کردیم، آباد کردیم، درست کردیم، درخت کاشتیم، خانه درست کردیم. همه چیز را خودمان بردیم، نه آب بود، نه برق بود و نه جاده، همه اینها را ما خودمان درست کردیم.

سایه با رابطه؟

نه، با پول شخصی. حتی جاده خاکی را ما آسفالت کردیم تا جاده اصلی. آباد کردن سخته اما ما کرمانی ها صبر و تحمل زیادی داریم. وقتی شما ده سال بتوانید برای یک محصول صبر کنید، این خودش حوصله می آورد، خودش باعث می شود تحملت بالا برود. در پسته ما می دانیم هزینه ها چقدر است اما نمی دانیم درآمدمان چقدر است. همه محصول ما ممکن است در عرض ۵ دقیقه سردی هوا یا گرما یا عوامل غیر مترقبه دیگر مثل تگرگ و باران از بین برود و ۲-۳ سال ممکن است درآمدی نداشته باشید اما همه هزینه ها سر جاشه، هیچ وقت نمی توانید آب را قطع کنید، کود ندهید و این یک توکل عجیب می خواهد. ما در کار پسته با خدا معامله می کنیم. باید ایمان داشته باشید تا موفق شوید.

سایه عملاً اتفاقی که افتاده آن است که مردم سرمایه گذاری می کنند و تازه بعد از ۱۰ سال نتیجه کار را می بینند.

مشکل مملکت ما همین است. ببینید در آمریکا همه چیز ثبت شده و شما اگر بخواهید در آنجا پسته بکارید به شما می گویند چه پایه ای بکار و چه پیوندی بز و چقدر محصول برداشت خواهی کرد. در ایران هر جا که پسته کاری شده افرادی مثل من رفته و سرمایه گذاری کرده اند. بعضی از دوستان ما رفتند در سمنان و بعد از ۴-۵ سال و صرف هزینه های سنگین دیدند منیزیم آب بالاست و درختان خشک شدند. یا مثلاً یکی از دوستان رفتند ارزوئیه و سرمایه گذاری کردند و بعد دیدند در آنجا سرمایه زمستان تأمین نمی شود. دیدند درختان رشد میکنند ولی محصول نمی دهند.

تحقیقات نشده و مطالعه نشده است. اینجا باید شناسی بروی و امتحان کنی، یا مثل من که گرفت یا یکی که رفت سمنان و نگرفت، یا شیراز که نگرفت. همه اینها را باید از صفر شروع کنید. آموزشی هم نیست. برای پسته کاری در ایران باید توانایی انجام همه کار را خودت داشته باشی. در آمریکا وقتی شما می خواهید بروید در کار پسته، مثل این می ماند که از بورس یک سهمی را

ورمی کمپوست می کنیم بعد استفاده می کنیم.

Aug نکته مهم در مورد کود دامی آن است که تغذیه دام هم ارگانیک باشد.

دقیقاً درست. باید کود دامی را استفاده کنید که از آنتی بیوتیک استفاده نکرده باشد.

Aug در مورد بازاریابی این محصول چکار کرده اید؟

اینقدر تولید ارگانیک کم و اینقدر متقاضی ارگانیک زیاد است که شما نیازی نیست دنبال مشتری بگردید کافی است که محصول استاندارد ارگانیک را داشته باشید. ما هر سال در نمایشگاه بین المللی محصولات ارگانیک که در آلمان است شرکت می کنیم. آنجا از ما درخواست محصول می کنند. اما محصول شما، هم باید گواهی داشته باشد و هم باید بتواند در آزمایشات جواب بدهد. در واقع اول از شرکت گواهی دهنده استعلام می کنند و بعد نمونه برداری می کنند و می دهند آزمایشگاه و مقدار و میزان سموم مجاز را چک می کنند. پسته ارگانیک را فقط اروپایی ها می خرند. درخواست از ژاپن هم داریم اما محصول نداریم که بهشان بدهیم.

Aug چند تن پسته ارگانیک تولید می کنید؟
پارسال نزدیک ۴۰۰ تن داشتیم.

Aug قیمت محصول ارگانیکی که شما تولید می کنید نسبت به پسته های دیگر فرق می کند؟
ارزش محصولات ارگانیک با محصولات معمولی بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد گرانتر است. محصولاتی مثل خیار و گوجه که فصلی هستند ۳۰ درصد گرانترند. محصولاتی مثل پسته، گردو یا فندق که محصولات باغی هستند و ۳-۲ سال زمان می برد حدود ۲ برابر گرانتر است.

Aug این باید شما را تشویق کند که سطح باغات ارگانیک را بالا ببرید.

بله همه باغات خودمان و اطرافیان را داریم ارگانیک می کنیم. همه مالکین منطقه علاقمند شده اند که محصولشان را ارگانیک کنند. در رفسنجان و کرمان نمی شود این کار را کرد.

Aug هزینه پسته ارگانیک نسبت به پسته معمولی چه فرقی دارد؟

حدود ۳۰ درصد بیشتر از باغ معمولی است. افت محصول هم پیدا می کنید چون نتیجه ای که از سم می گیرید از آفت کش بیولوژیک نمی گیرید. در این روش خیلی موفق باشید ۷۰ درصد نتیجه می گیرید.

از آفتکش بیولوژیک استفاده می کنیم. چند ساله که دو شرکت در ایران داریم که حشراتی که پسپیل ها را می خورند تولید می کنند، مثل کفشدوزک و سالی ۲-۳ میلیون از اینها را در باغات آزاد می کنیم.

Aug از هیچ نوع آفتکشی استفاده نمی کنید؟
تا حالا نیاز نشده است. یکی از خواص بسیار خوب واریته فندقی این است که خیلی در مقابل آفات مقاوم است. خیلی مشکل است که اکبری و احمد آقایی را ارگانیک بکنید.

Aug اما باغ های مجاورتان از سموم آفتکش خطرناک استفاده می کنند.

آفتکش های خطرناک و آفتکش های قرمز را ما در هیچکدام از باغات زرنبدیه استفاده نمی کنیم.

Aug چرا استفاده نمی کنید؟

چون نیاز نیست. زرنبدیه منطقه بکری است و آلودگیش خیلی کم است. ما اگر بتوانیم این قرنطینه را حفظ کنیم که از سم های قرمز و سم های ممنوعه استفاده نشود تا زمانی که استفاده نشود شما می توانید ارگانیک را حفظ کنید. اما یک بار اگر استفاده کنید همه پارزیت ها را از بین می برد. در آنجا کشاورزها اتحاد خوبی با هم دارند، آنجا کسی از سموم ممنوعه استفاده نمی کند.

Aug چطور ۱۰۰ نفر باغدار را کنترل می کنید؟
در آنجا به صورتی که در کرمان و رفسنجان است سمپاشی نمی کنند. تعاونی یک دفتر خدماتی دارد که منطقه را پوشش می دهد و تشخیص می دهد که چه آفاتی دارد و از چه نوع سمی باید استفاده کند. به هیچ وجه آفتکش قرمز را توصیه نمی کند.

Aug برای کوددهی چطور عمل می کنید؟
اطراف ما کودهای دامی خیلی فراوان تر و ارزان تر تأمین می شود تا کودهای شیمیایی. قبلا دولت به کود شیمیایی سوسپند می داد و به کودهای حیوانی سوسپند نمی داد. الان سوسپند ها برداشته شده و کودهای شیمیایی الان هر کیلو ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان است در صورتی که کودهای حیوانی خیلی ارزان است و دامداری ها در سیلوهای ما کودهایشان را می ریزند و ۶ ماه بعد پولشان را می گیرند.

Aug شما فقط کود حیوانی به باغات می دهید؟
اکثریت کود حیوانی می دهیم. خودمان کمپوست تولید می کنیم که خیلی خیلی ارزش غذایی مناسبی دارند و قیمتش هم مناسب است و به باغدارها توصیه می کنیم که استفاده کنند. این کودها را در سیلوها

می خرید. یعنی شما کاری به هیچی ندارید و همه کارها را شرکت های تخصصی انجام می دهند. اما در اینجا کارهای کشاورزی را خودت باید مدیریت کنی و کنترل کنی که چی بکاری، کی آب بدهی، کی کود بدهی، اینها در ایران برنامه ریزی شده نیست. یعنی ما شرکت تخصصی نداریم که ۳۰-۲۰ جوان تحصیل کرده بیایند و فقط روی آفات کار بکنند.

Aug آیا مردم استقبال می کنند، اعتماد می کنند؟

بله، باید شرکت ها یک پشتوانه قوی مثل بیمه داشته باشند که اگر آفاتی داد مسئول باشد و جبران خسارت بکند.

Aug اجازه دهید در مورد پسته ارگانیک که شما تولید می کنید صحبت کنیم. چند هکتار باغ ارگانیک دارید؟
۲۰۰ هکتار باغ پسته ارگانیک داریم.

Aug از کجا تاییدیه گرفته اید؟

از BCS آلمان. سه سال تحت پوشش بودیم و بعد از سه سال کارشناسان شرکت به ما تاییدیه دادند که هر سال باید تمدید شود.

Aug باغ پسته ارگانیک شما در مجاورت ۵۰۰۰ هکتار باغات مجتمع منطقه قرار دارد. چطور می توانید اصول تولید ارگانیک را حفظ کنید؟

تلاش ما این است که کل ۵۰۰۰ هکتار را ارگانیک کنیم. ما از کود شیمیایی خیلی کم استفاده می کنیم. در تولید ارگانیک مسئله این نیست که از کودهای شیمیایی یا سموم استفاده نکنیم بلکه باید از کودها و سموم مجاز استفاده کنید. در این رابطه سموم دفع آفات سبز، زرد و قرمز داریم که از سموم قرمز نباید به هیچ عنوان استفاده کرد اما از سموم سبز و زرد می توان استفاده کرد.

Aug در ایران این آفتکش های سبز تولید می شود؟
بله.

Aug در سطحی هست که نیازهای شما را برطرف کند؟
بله.

Aug مگر ما در ایران چقدر باغ ارگانیک داریم؟
امروز دنیا کوچک شده، شما هر چیزی که بخواهید در اینترنت می توانید بخرید. الان اینجا در خود ایران هم تولید می شود. تا حالا ما به مشکل برنخوریم و همواره